

خط فارسی ناقص است

مهدی صادقی

■ **شرق:** چندی‌پیش داریوش مختاری مجموعه «جنبش فونت دارا» را منتشر کرد و در آن فونت‌ها را با بهتر بگویم خط‌هایی را پیشنهاد داد که مبنایش جدانویسی حروف بود.

این کتاب و پیشنهادهای تازه داریوش مختاری واکنش‌های متعدد و متفاوتی در جامعه طراحان گرافیک به دنبال داشت. عده‌ای بر آن تاختند که چرا حروف متصل و خوانا نیست و این حروف جدانوشته‌شده، تیشه به ریشه فرهنگ کهن ماست! طراحان دیگری هم روند حرکت خط فارسی به سمت جدانویسی را مثبت ارزیابی کرده و بر آن تاکید داشتند. هرچند ایرادهایی هم بر تعدادی از این خط‌ها و فونت‌ها وارد است.

حقیقت این است که خط فارسی مورد استفاده ما که اتصال حروف، اساس آن را تشکیل می‌دهد، در رسانه‌های امروزی با مشکل روبه‌روست. باوجود تنوع فونت‌های فارسی (به‌خصوص در سال‌های اخیر) خوانایی خط فارسی در وب هنوز مشکلی جدی است، به‌ویژه در اندازه‌های کوچک.

در صفحه نمایش موبایل‌ها هم زیاد به این معضل برخورد داریم و نمایش اعداد و برخی حروف هم‌شکل (مانند ج ج خ چ) همچنان واضح و صریح نیست. الان زبان غیررسمی و البته رایج در بین کاربران فارسی‌زبان اینترنت، فینگلیش است، اگرچه برخی مشکل‌های خط فارسی را حل کرده و کاربران متن‌هایشان را راحت‌تر می‌نویسند و می‌خوانند، اما هنوز ایرادهای جدی‌تر وجود دارد و هر کس به سلیقه خودش از کنار این مشکلات و ناخوانایی‌ها و نارسایی‌ها می‌گذرد، از این جمله است شیوه نوشتن صدهایی که در خط فارسی یا شکل ندارند یا کاربرشان مرسوم نیست، همچون «کسره» که برخی آن را ع و برخی el می‌نویسند یا صدای «ی» که به شکل‌های ei،ii،ie یل... نوشته می‌شود.

گذشته از اینها اساسا فینگلیش در قد و قواره یک خط نیست و باعث سرافکندگی و شرمندگی است که چنین خطی الان، بین کاربران فارسی‌زبان رایج است. اگر دیر بچینیم همین فینگلیش، ممکن است جدی‌جدی خط رایج شود. الان شوخی به نظر می‌رسد، اما یا ۱۰، ۱۵ سال پیش گمان می‌کردیم روزی فینگلیش به موقعیت امروزی برسد؟! خط فارسی که خط رسمی ماست و ریشه عربی دارد از سال‌ها پیش مورد انتقاد بسیاری از بزرگان بوده و آن را ناقص و نارس برای زبان فارسی می‌دانستند. قدیمی‌ترین آن کتابی است که ابوعبدالله حمزه‌مین حسن احمدی (متوفی در دهه ۳۶۰ قمری) درباره معایب خط عربی برای زبان فارسی نوشته است. «کتاب‌التنبیه علی حدوث التصحیف» که یگانه نسخه آن در کتابخانه مدرسه خان مروی تهران نگهداری می‌شود.

ابوریحان بیرونی هم که در قرن پنجم می‌زیسته از اشکالات موجود در خط عربی برای زبان فارسی به‌عنوان «فت عظیم» یاد می‌کند. ویژگی بیرونی علاوه بر همه دانش و حکمتش، تسلط بر زبان‌های سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری و عربی است که دیدگاه او درباره خط عربی را محکم و مستدل می‌کند.

ایرانیان از قرن دوم تا هشتم قمری تلاش کردند اشکالات خط عربی را برای زبان فارسی تا حد امکان برطرف کنند. از جمله ابداع خطوطی همچون خط شکسته تعلیق و نسخ تعلیق و آخرین مرحله آن، خط شکسته است که در آغاز قرن یازدهم به کمال و زیبایی رسید.
دیر دیگری که ایرانیان در قرن ششم ابداع کردند، خط سیاق است که برای محاسبات دیوانی کاربرد داشته و در آن اگرچه اعداد از خط عربی گرفته شده بود، اما شیوه نوشتن آن آسان‌تر شده بود و البته امکان تحریف یا تغییر حروف نبود.

عده‌ترین اشکالاتی که خط پیوسته دارد، اینها هستند:

نخست اینکه برخی کلمات اصیل فارسی را با الفبای عربی نمی‌توان طوری نوشت که با تلفظ درستش خوانده شود. صدهای یکسان با شکل‌های متفاوت مشکل دیگر این خط است، همچون ذ ظ ض. برای عرب‌زبان‌ها تشخیص حروف هم‌صدا اما ناهم‌شکل، در خواندن و نوشتن آسان است، چرا که آنها هر کدام از این حروف را به شیوه خاصی تلفظ می‌کنند و تشخیص آن برای عرب‌زبان‌ها مشکل نیست. اما فارسی‌زبان‌ها با این حروف هم‌صدا راحت نیستند. همه ما کلمات زیادی را به همین دلیل اشتباه نوشته‌ایم: آنجا که باید با «ط» یا «ظ» نوشسته‌ایم یا «س» و «ث» و «ص» را غلط نوشتیم. شکل نداشتن صداها (در قالب شکل حروف) مشکل دیگری است. البته اگر بخواهیم این مشکل‌ها را ترتیب کنیم، به حدود ۳۰ اشکال می‌رسیم که خارج از چارچوب این صفحه است. به هر حال ابتکار داریوش مختاری در طراحی حروفی که به لحاظ شکل بسیار به حروف خط عربی و فارسی نزدیک است، اما متصل و پیوسته نیست، این نوید را می‌دهد که می‌توان خط فارسی را به شیوه‌ای شکل داد که دست‌کم برخی از مشکل‌های آن برطرف شده و خواندن و نوشتن آن راحت‌تر شود.

■ شما در «جنبش فونت دارا» ۱۵ فونت فارسی ابداع کرده‌اید که هر کلمه را با حروف جدا جدا - و نه پیوسته- در معرض مخاطب می‌گذارد. چه ضرورتی شما را به نوشتن این کتاب واداشت؟

من از دوران دبیرستان خط کُر می‌کردم. یعنی در نامه‌نگاری‌هایی که با دوستانم انجام می‌دادم، ضمن نامه‌نگاری، کلید نامه را هم برای دوستانم می‌فرستادم و از این طریق با آنها نامه‌نگاری می‌کردم. در آن دوران چون هنر نخوانده بودم، اصول و قواعدی برای خطی که ابداع کرده بودم نداشتم و قواعدی آن را شکل دادم. از روی احساس درونی خط را دنبال می‌کردم. تا اینکه وارد دانشگاه شدم و در رشته هنر درس خواندم و با هنر آشنا شدم و یک‌مرتبه به خط‌های قبلی فلاش‌یک زده و شروع کردم به طراحی. ولی این بار با شناخت. هنگامی که هنر می‌خواندم با مشکل دیگری مواجه شدم و آن مشکل این بود که با نرم‌افزار آشنایی نداشتم و نمی‌دانستم چگونه این خطوط را به فونت تبدیل کنم. سال‌ها گذشت و این خطوط در صندوقچه من باقی ماند تا اینکه سه سال قبل بود که یکی از دوستانم به من یک نرم‌افزار فونت معرفی کرد. من چون در صندوقچام همه خط‌های پیشین را داشتم، در ۱۵ روز تعطیلات نوروز خط‌هایم را با فونت تعریف کردم و به این صورت به صورت فونت، قابل اجرا شدند. البته در آن فونت‌ها ضعف‌های اندکی هم وجود داشت که همین اواخر پیدایشان کردم.

■ یعنی تغییر فونت برای شما کاملاً شخصی بوده است و نه به خاطر مشکلاتی که رسم‌الخط امروز فارسی دارد! بله. کاملاً شخصی بود، اما به این معنی نیست که فونت‌های فارسی مشکلی ندارند. فونت فارسی مشکلات زیادی دارد و بعضی از مشکلات آن را هم دانشجویان گرافیک تا حدی برطرف کرده‌اند. بـا آمدن فونت «ترافیک» یکی از مشکلات خط فارسی که ضحامت و نازکی آن بود برطرف شد.

■ فونت ترافیک چه ویژگی‌هایی دارد؟

ضخامت حروف از ابتدا تا انتها در آن همسان و یکنواخت است. این خط باعث می‌شود شما در خواندن آن از فاصله دور دچار اشتباه نشوید. برخلاف خط نستعلیق که لزوماً باید از نزدیک خوانده شود.

■ گویا طبق نظرات خودتان در فونت ترافیک تغییراتی هم داده‌اید.

بله. من در این خط بر اساس قاعده منفردنویسی حروف تغییراتی دادم که طبق آن تغییرات، کلمه با حروف جدا از هم شکل می‌گیرد.

■ چه ضرورتی دارد که حروف از هم جدا نوشته شوند؟ جدانویسی به شما این امکان را می‌دهد که مانور بصری‌تان بیشتر شود. وقتی حروف کلمه سر هم می‌شود قابلیت آسان خوانی آن کمتر می‌شود.

■ خط پهلوی هم مبتنی بر همین جدانویسی بود اما رسم‌الخط عربی که بر پیوسته‌نویسی حروف استوار بود جای آن را گرفت. چرا! این‌طور شد؟

هفت در مورد خط پهلوی بسیار کار کرده‌ام. این خط بیشتر به‌یجا رتزی از خط فارسی امروز است و اصلاً زیبایی ندارد. قاعده‌اش هم بسیار پیچیده است. این خط تابع هیچ قواعدی نیست. به همین دلیل است که آن را خط خوبی نمی‌دانم. البته اگر این دشمنان، زبان‌شناسان و خط‌شناسان این حرف را از من بشنوند، کلام را خواهند کند.

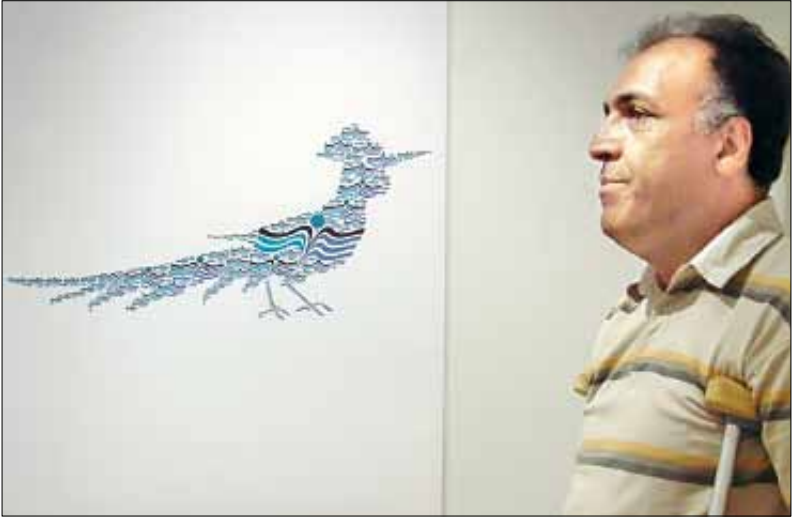
■ یعنی چون تابع قاعده نبوده ادامه پیدا نکرد یا چون قاعده‌اش دشوار و پیچیده بود؟

کتاب

نهضت تغییر رسم‌الخط فارسی

گفت‌وگو با داریوش مختاری به بهانه چاپ کتاب «جنبش فونت دارا»

تانیا تجلی



عده‌ای بر این باور هستند که رسم‌الخط فارسی، به دلیل پیوستگی حروف در تشکیل کلمه، مشکلاتی را در خواندن و فهمیدن مطالب ایجاد کرده و به همین دلیل در پی آن هستند که با ابداع فونت‌های جدید - که مبتنی بر جدانویسی حروف است - این مشکل را حل کنند. از جمله این افراد، داریوش مختاری نویسنده کتاب «جنبش فونت دارا» است که در آن ۱۵ فونت فارسی و سه فونت لاتین را پیشنهاد داده. این گرافیست و مجسمه‌ساز دانش آموخته دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران است و در بسیاری از نمایشگاه‌های نقاشی، گرافیک و مجسمه‌سازی داخل و خارج از ایران از جمله در کشورهای ژاپن، ایتالیا، چک، لهستان، بلغارستان و سوئد شرکت داشته است. از جمله آثار او در زمینه حجم‌های شهری می‌توان به مجسمه نام حضرت علی در بزرگراه امام علی و کلمات «خدا»، «انسان» و «عاشق» در ایستگاه مترو هفتم تیر اشاره کرد. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگو با وی در مورد کتاب «جنبش فونت دارا» است.



قاعده دارد. اما قاعده‌اش خیلی مشکل است. قاعده این خط مرده، روان و سلیس نیست که بخواهیم دوباره آن را زنده کنیم. چیدمان آن در صفحه نابایست.

■ پس زیبایی‌شناسی هم یکی از دلایل عدم ادامه آن است؟

به نظر من بیشتر به علت همان قواعد مشکلش از صحنه خارج شد، برخلاف خط میخی که قاعده زیبایی دارد.

■ ابوریحان هم با رسم‌الخط عربی مشکل داشت. نقد او به عربی‌نویسی عبارات ایرانی چه بود؟

وقتی خط پهلوی کنار می‌رود خط کوفی جای آن را می‌گیرد. یعنی از قرون چهار و پنج به این طرف برخی خطوط باب می‌شوند، مثل خط نسخ. تغییر از خط کوفی به نسخ خود یک انقلاب است. یکی از ایرادهایی که ابوریحان می‌گیرد آن است که می‌گوید ما در خطمان برخی صداها و آواها را داریم که در خط عربی معادل ندارند، مثل «و» و «پ». در خط عربی یک‌سری حروف بود که خودشان می‌توانستند

طبیعی است که تغییر فونت مشکلات عمده‌ای در پی خواهد داشت. از جمله اینکه مجبور می‌شویم آثار کهن را بازنویسی کنیم. در بخش آموزش و غیره و مشکلاتی پیدا خواهد شد. تکلیف اینها چه می‌شود؟

بهترین الگو در این زمینه کشور ترکیه است. موقعی که آتانورک رسم‌الخط لاتین را آورد، این ماجرا یک شبه اتفاق نیفتاد، بلکه پروسه‌ای طی شد، چون رسم‌الخط عثمانی هم بر خطنویسی عربی استوار بود. در ترکیه جدید هیچ‌کس نمی‌تواند سنگ قبرهایی را که مربوط به قبل از آتانورک بود بخواند. به هر حال هر تغییری معضلات خود را دارد و این معضلات اجتناب‌ناپذیر هستند.

■ بیروزامیم به کتاب‌تان. چرا اسم کتاب را جنبش فونت دارا گذاشتید؟

از اسم خودم گرفته‌ام. دارا همان داریوش است.

■ شما از نقطه‌گذاری و منقوץ بودن حروف به عنوان ضعف یاد می‌کنید اما در بعضی از فونت‌های کتاب‌تان، نه‌تنها نقطه هست بلکه آن نقطه زیر حرف قرار گرفته. مثلاً زیر حرف آشنای «ر» نقطه گذاشته‌اید و یک حرف دیگر خوانده می‌شود. درباره این چه می‌گویید؟ در فونت دارا تلاش من این بود که جا پای خط نسخ بگذارم و شباهت‌های خیلی زیادی به خط نسخ داشته باشم. تغییر فاحش در این فونت‌ها در حرف «ر» است. اما اینکه شما گفتید مشکل نیست.

یادگیری این خط ۱۰ دقیقه هم طول نمی‌کشد. برای تغییر خط یک مرتبه نمی‌شود بنیان همه چیز را عوض کرد، گرچه در این کتاب هم فونت‌هایی وجود دارد که من بنیان همه چیز را کندم و عوض کردم.

■ چه ویژگی‌هایی دارند که یادگیری آن را سریع و راحت می‌کند؟

یکی از ویژگی‌هاشان این است که منفرد و منفک هستند. دومین ویژگی خوانایی آنهاست. یعنی خوانایی آنها راحت‌تر است. البته راحت‌خواندن به معنی این نیست که در اولین مواجهه بتوان به‌سرعت آنها را خواند. ۱۴۰۰ سال طول کشیده تا بتوانیم خط نسخ را راحت بخوانیم و بنویسیم. بنابراین قرار نیست این راحت‌خوانی الان اتفاقی بیفتد بلکه نیازمند زمان است.

■ فونت چه میزان در جذب مخاطب اثر دارد؟

خیلی زیاد. وقتی جمله و کلمه در پوست‌رهای تایپوگرافی به کار می‌رود، فونت بسیار مهم می‌شود. چون اینجا باید سریع اطلاعات را به بیننده منتقل کرد. مثلاً شما ببینید یک لیلل در معرفی یک فرش چندر اثرگذار است و اگر این لیلل به صورت نوشته باشد تاثیرش بیشتر خواهد بود.

خودتان از مجموعه فونت‌هایی که در کتاب‌تان آورده‌اید کدام را کار اتر می‌دانید؟

فونت آزاد. چون از همه تشکیل‌تر و خواناتر است. ■ آیا شما ضعف‌هایی را که در فونت فارسی دیده‌اید، در فونت آزاد بر طرف کرده‌اید؟

بله. تقریباً. البته جنبه‌های ادبی را نه بلکه مشکلات جنبه‌های بصری را بر طرف کرده‌ام.

■ پس معتقدید خط فارسی قابلیت اصلاح شدن دارد؟ بله. خط فارسی این قابلیت را دارد که اصلاح شود. تمام تلاش‌م آن بوده که به خواننده القا کنم فونت آزاد همان فونت فارسی است. من در فونت آزاد از دو چیز بهره گرفته‌ام: یکی خط نسخ و دیگری خط کوفی بنایی و با ادغام آنها این فونت را طراحی کرده‌ام.

جوانه جنگ سرد

درباره انتشارات پروگرس

کاوه گوهرین

با عناوین «من، تو او و تلفن» از انار و «هشتمین پسر» از انای محمداوف، خواندنی هستند. همچنین آثار منتشر شده در سلسله کتابهای (کلاسیک‌های ادبیات روسی) با آثاری از تور گینف همچون «رودین» یا «النگوی یاقوت سرخ» از الکساندر کوپرین. در این میان بعضی آثار ترجمه شده به نوعی ادبیات حزبی «بالیس-سوسپالیستی» و تبلیغاتی تلقف دارند و مواردی با جمیع این اوصاف خواندنی و اثرگذار هم بوده‌اند. آثاری همچون «داستان پداگوژیک» از ماکارنکو، «هادر» «جمیله» و «وداع گل‌ساری» هر سه از چنگیز آیتمانف.



«من خورشید را می‌بینم» از نودار دومیادزه، نویسنده گرگی و اثری بی‌بدیل که بسیار دوست می‌دارم! ضد و پنجاه و هفت گیس عروس» از فارز علی‌یوا و نیز آثاری دیگر همچون «چیچ» و «استخرهای پاکیزه» از بوری ناگی بین، «وقتی که پاینده‌ای خوش‌شانس بودم» از فاضل اسکندر، «مردم سر‌باز به دنبانه‌ی آیند» از کنستانتین سیمونف و «پرواخرتر دوردست» از الکساندر چاکوفسکی و بسیاری آثار دیگر که ذکر اسمی آن‌ها سبب اطباب کلام می‌شود. در میان آثار منتشر شده از سوی پروگرس، دو کتاب «چنگیزخان» اثر اوسیلی یان و «خدیزوده جادوشده» با عنوان دوم «شاهزاده‌ای که خر شد» در ذهن و خاطره‌م‌ن جایگاه ویژه‌ای دارند. «چنگیزخان»، نخستین جلد از یک ترلوژی، (سه گانه) رماتی تاریخی درباره حمله مغولان بود که با ترجمه دقیق روان و یکدست محمد پورهمزمان خواننده بسیاری را شیفته کرد. همچنین است «خدیزوده جادو شده» اثر لئونید ساوویف (۱۹۶۲- ۱۹۰۷) که با ترجمه خوب حبیب فروغیان امکان اهل ادب ایران شده است.

هویت ملی در طراحی فونت (قلم) فارسی

عبدالرضا چارنی*

■ تا چند سده پیش کتب خط و خوشنویسی در جهان اسلام به‌ویژه متون خوشنویسی ایران مبتنی بر «دستورالعمل» ها بوده است و مقاله‌های نوشته شده در خصوص خط و خوشنویسی ایرانی هرگز به ملاحظات نظری و معنایی راه نمی‌برد، زیرا عملکرد آنها مظهر حق و حقیقت را متجلی می‌کرد با شروع عصر تکنولوژی و تقلیل در مفهوم و معنا، طراحی حروف و فونت (قلم) «برانی بودن» خود را از دست داده و با اشکال و معضلات فراوانی مواجه شده است.در آغاز کلام اشاره‌ای به متولیان امر هویت در نوشته و فونت فارسی به شرح ذیل می‌شود:
۱- شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور
۲- شرکت‌های مولد نرم‌افزارهای «فونت»
۳- وزارت آموزش عالی تحقیقات و فناوری
۴- وزارت آموزش و پرورش
۵- موسسات پژوهشی مرتبط با طراحی گرافیک «ویژه طراحی حروف»
۶- سازمان صداوسیما

۷- دانشجویان رشته‌های تحصیلی آکادمیک (دانشگاهی)
گرافیک، پویمایی(انیمیشن)، تصویرسازی و تیتراژسازان فیلم در سینما
۸- دفاتر تخصصی گرافیک در سراسر کشور
۹- دانش‌آموزان و دانشجویان در تمام مقاطع تحصیلی:
پیش‌دبستانی تا دکترا
ی حرفای
۱۰- ناشران در سطح کلان: کتابت، نشریات و تابلوسازان
۱۱- موسسات اجرایی شهرداری، مترو، ترمینال‌های هوایی، زمینی (اتوبوسرانی و...)

اصطلاحات تخصصی در حوزه طراحی حروف و فونت

با ورود تکنولوژی و عدم دسترسی به فرهنگ وارداتی حروف فرنگی و تقلید محض از عبارات فرهنگی و عدم شناخت کافی در حیطه خوشنویسی ایرانی معضل بزرگی به‌نام «تایپوگرافی» را در ایران به وجود آورده است.

به‌طور مثال: Mean Line (خط کرسی) در انواع و اقسام شکلهای خوشنویسی و خطوط مختلف ایرانی -عربی با حروف جدا از هم در فرنگی بسیار فاصله دارد. فاصله‌ای به اندازه: عدم تشابه - عدم تطبیف - عدم معنا - عدم هویت. وجالب است بدانیم خط کرسی در انواع قلم‌های خوشنویسی سنتی نظیر، محقق، ریحان توفیق، ریحان، ثلث، نسخ، نستعلیق، شکسته نستعلیق، رقعی، دیوانی و تحریری با حروف جدا از هم فرنگی کاملاً متفاوت و هر کدام قانون و قاعده خاص خود را دارد. ابداع یک قلم در خوشنویسی سنتی که در فرنگی آن را Type Face «تایپ فیس» می‌نامیم از نظر مفرات اجرایی و ترسیمی قابل قیاس با متدساته قوانین حاکم بر حروف فرنگی در ارایه حروف و فونت فارسی به نمایش درمی‌آید و این خود معضل عظیمی شده است.

اصطلاحاتی نظیر:

۱- Base Line (کرسی وسط یا اصلی)
۲- Ascenden Line (کرسی بالا نویسه‌ها)
۳- Descenden Line (کرسی پایین نویسه‌ها)
۴- X-Height (میزان ارتفاع در کارکتر حرف)
۵- CAP Height (میزان ارتفاع برای حرف بزرگ در لاتین)و مقایسه آن بر خط کرسی در قلم نستعلیق به شرح ذیل تفاوت فاحشی را به مخاطب اهل فن ارایه می‌دهد:

۱- کرسی وسط یا اصلی
۲- کرسی پایین (فرش)
۳- کرسی بالا (عرش)
۴- کرسی مشترک (وسط و عرش).
که اساسا نوع شاکله (کاراکتر) حروف و انعطاف آن متفاوت است.به‌طور مثال: در طراحی حروف فارسی نستعلیق به صورت مفرد قوانینی وجود دارد که در ترکیب، قواعیدی جدیدی را دربر خواهد داشت و اصطلاحات بسیاری که در حروف فارسی و لاتین (فرنگی) مربوط به مقررات و قوانین همان فرهنگ می‌شودممکن است در نوشتن حرف «ر» در فارسی با خط نستعلیق هم از نظر فیکور و هم از نظر انعطاف اصطلاحی نظیر: «ر» خنجری و «ر» چکچور و با کار ببریم یا «ر» مرغی که در ترکیب یک سطر به ضرورت نوشته خواهد شد اقدام دیگری نظیر: ثلث، کوفی، محقق و ...

علاوه بر مقررات و قوانین خاص هریک از اقلام خوشنویسی، رفتارهای افراد در ارایه یک فونت (قلم) می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد. موارد دیگری نظیر کاربرد فونت (قلم) در تکنولوژی نظیر - تلفن همراه (موبایل)، اینترنت و صفحه نمایش (مانیتور) به‌طور مثال در وضعیت انتقال پیام از طریق اینترنت، فونتی به کار گرفته می‌شود مانند تاهوما (Tahoma) که از نظر ریخت و فیکور بسیار نامناسب و ناخوانایی و اشغال فضای بیش از حد در صفحه دارد. در مقایسه با فونت (قلم) مشترک در اروپا و ارایه پیام فونتی به‌نام «هلویتکا» (Helvetica) وجود دارد که تمام یا بسیاری از عبارت‌ها را نظیر رستوران، بوتیک، مجله‌های، خیابان و... دقیقاً با یک فونت یا (TypeFace) «تایپ فیس» طراحی می‌شود. مثل اینکه بخواهیم خط نستعلیق را در همه حوزه‌های زندگی به کار بگیریم، به‌طور مثال: غذاخوری، کتاب حافظ، طباطبی و... و بیشتر در خود تکنولوژی مانع و سد بسیار بزرگی شده است که آرام‌آرام این هویت ملی که با خط و خوشنویسی معنا می‌شد از دست خواهد رفت، خاصه اینکه قوانین و مقررات (فونت) فرنگی را با حروف فارسی ترکیب کنیم که ضایع‌های بسیار بزرگ و غیرقابل جبران خواهد شد تا جایی که اثری از خط فارسی و حالات آن دیده نخواهد شد.

***عضو هیات علمی دانشگاه شاهد**